

# ظهور النعمان

## ۲. سیاه چهرگان

سید جواد حسینی

مقدمه

در شماره ۱۱۵ اشاره شد که اعمال و رفتار انسان دارای ظاهر و باطنی است. ظاهرش همان است که در این دنیا دیده می‌شود و باطن و حقیقت آن در عالم آخرت آشکار خواهد شد. گروهی از انسانها بر اثر اعمال نیک، چهره‌هایی نورانی و سفید دارند که در شماره قبل به آنها پرداخته و این عناوین به عنوان عوامل نورانی بودن چهره بررسی شد. طاعت خدا در تاریکی شب، وضو و روزه دارای، شیعه علی بودن، دوستی برای خدا، ضلوات بر محمد و آل محمد، سخنان خوب و نیکو، عامل نورانی شدن

چهره در قیامت شمرده شد. در این شماره به بررسی سیاه چهرگان می‌پردازیم.

سیاه چهرگان

قرآن به این حقیقت اشاره دارد که  
 ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾<sup>۱</sup>  
 «روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه شود.» در دعای وضو نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ...»<sup>۲</sup> خدایا! صورتم را

۱. آل عمران/۱۰۶.

۲. من لا يحضره الفقيه، صدوق، دار الاضواء، بیروت، دوّم، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۱.

سپید فرما در روزی که چهره‌ها در آن روز سیاه می‌شوند.»

اموری که باعث می‌شود گروهی با چهره سیاه در قیامت ظاهر شوند، گاهی امور اعتقادی و اصولی، و گاه انحرافات عملی و ارتکاب گناهان بزرگ، و زمانی عمل نکردن به وظایف اخلاقی و صنفی و گاه ... است. تلاش می‌کنیم اهم این امور را در چند بخش ارائه دهیم:

#### الف. اعتقادات

##### ۱. افترا بستن بر خدا

افترای بر خدا نوعاً در بی‌اعتقادی به خداوند ریشه دارد. کسانی که خدا و اوصاف او را درست نشناخته‌اند، به افترا روی می‌آورند. خداوند متعال در قرآن کریم، باطن این افترا را این‌گونه ترسیم کرده است: ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾؛ «روز قیامت می‌بینی کسانی که بر خدا دروغ بسته‌اند، چهره‌هایشان سیاه است. آیا دوزخ جای متکبران نیست؟»

حضرت صادق علیه السلام در توضیح و تفسیر آیه فرمود، مراد این است که «مَنْ ادَّعَى أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قَيْلَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا؟ کسی که ادعا کند امام [بر حق است] و حال آنکه امام نیست [این کار، افترا بر خدا است.] گفته شد: هر چند شخص مدعی، علوی نسب و فاطمی نسب باشد؟ حضرت فرمود: هر چند علوی تبار و فاطمی نسب باشد [باز هم با این مدعی کاذب با چهره سیاه وارد محشر می‌شود].»

##### ۲. کفر و بدعت‌گذاری

کفر، ظاهری دارد که همان انکار خدا و قیامت و شریک قائل شدن برای خداوند است؛ ولی باطن کفر، سیاهی و ظلمتی است که در عالم آخرت خود را نشان می‌دهد و همین‌طور بدعت‌گذاری در دین مشوش کردن چهره دین است که حقیقت آن

۲. تفسیر الصافی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات،

بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م، ج ۴،

در روز قیامت به صورت سیاهی چهره نمودار می‌شود.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُهُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾؛<sup>۱</sup> [آن عذاب بزرگ نفاق افکنان] روزی خواهد بود که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه می‌شود؛ اما آنها که چهره‌هایشان سیاه شده [به آنها گفته می‌شود] آیا پس از ایمان کافر شدید؟ سپس (اکنون) بچشید عذاب را در برابر آنچه کفر ورزیدید.»

امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر این آیه چنین فرمود: «هُمُ أَهْلُ الْبِدْعِ وَالْأَهْوَاءِ وَالسَّارِمِ الْبَاطِلَةِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ»<sup>۲</sup> آنها بدعت‌گزاران و هواپرستان و صاحبان آرای باطل از این امت هستند.»

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست! برخی اصحاب من، کنار

حوض بر من وارد می‌شوند و دور من را می‌گیرند. پس من می‌گویم: اصحاب! اصحاب! پس به من گفته می‌شود: نمی‌دانی بعد از تو چه (بدعت‌هایی) حادث کردند و مرتد شدند و به عقب برگشتند.»<sup>۳</sup>

۴. دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

دوستی اهل بیت عامل اتصال به آنها است و عامل نورانیت انسان می‌شود؛ ولی قطع رابطه و یا دشمنی با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باعث سیاه شدن چهره است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسَيِّئَ لِلَّهِ لَهُ فِي أَجَلِهِ وَأَنْ يَتَمَتَّعَ بِمَا خَوْلَهُ اللَّهُ فَلْيَخْلُفْنِي فِي أَهْلِي خِلَافَةً حَسَنَةً فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَخْلُفْنِي فِيهِمْ بَتَكَ اللَّهُ عُمُرَهُ وَوَرَدَ عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهُهُ»<sup>۴</sup> هر کس دوست دارد که خداوند مرگش را به تأخیر اندازد (و عمرش طولانی شود) و بهره‌مند شود

۳. همان، ص ۳۶۹.

۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء

التراث العربی، بیروت، ج ۲۳، ص ۱۱۶.

۱. آل عمران / ۱۰۶.

۲. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۶.

که تشنه هستید و چهره‌های شما سیاه شده است.»

۲. سپس پرچمی با فرعون این امت بر من وارد می‌شوند. پس می‌پرسم: «پس از من با ثقلین چه کردید؟» می‌گویند: «اما [ثقل] اکبر را پس تحریف [معنوی] کردیم و پاره کرده، با آن مخالفت کردیم، و اما با [ثقل] اصغر دشمنی کردیم و به قتل رساندیم.» «فَأَقُولُ رِدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِمَاءٌ مُّظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَّجُوهَكُمْ؛ پس می‌گویم: وارد آتش شوید؛ در حالی که سخت تشنه و روسیاه هستید.»

۳. سپس پرچمی با سامری این امت بر من وارد می‌شوند. آن‌گاه می‌پرسم «پس از من با ثقلین چه کردید؟» می‌گویند: «اما [ثقل] اکبر را نافرمانی و رها کردیم (به آن عمل نکردیم) و اما [ثقل] اصغر را خوار [و ذلیل]، و [حقشان را] ضایع کردیم.» «فَأَقُولُ رِدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِمَاءٌ مُّظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَّجُوهَكُمْ؛ پس می‌گویم: با تشنگی شدید و روسیاهی وارد آتش شوید.»

از آنچه خدا به او عطا کرده است، باید درباره اهل بیت من به نیکی و خوبی رفتار کند و اگر کسی چنین نکند، خدا عمر او را کوتاه می‌کند و در روز قیامت با چهره‌ای سیاه بر من وارد می‌شود.»

ابوذر نقل کرده است، وقتی آیه ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ نازل شد رسول خدا ﷺ فرمود: «امت من روز قیامت با پنج (نوع) پرچم بر من وارد می‌شوند:

۱. پرچمی از گوساله پرستان این امت. پس من از آنها می‌پرسم: «پس از من با ثقلین (کتاب و عترت) بعد از من چه کردید؟» پس می‌گویند: «اما [ثقل] اکبر [= قرآن] را تحریف [معنوی] کردیم و پشت سرمان انداختیم [و بدان عمل نکردیم] و اما [ثقل] اصغر را [یعنی اهل بیت علیهم السلام] پس با او دشمنی کردیم و او را مبعوض دانستیم و در حق او ظلم و ستم روا داشتیم.» «فَأَقُولُ رِدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِمَاءٌ مُّظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَّجُوهَكُمْ؛ پس من می‌گویم وارد جهنم شوید؛ در حالی

«پس از من، با ثقلین چه کردید؟» می‌گویند: «از ثقل اکبر، پیروی و اطاعت کردیم و اما با اصغر دوستی و اظهار محبت و یاری کردیم؛ تا آنجا که خون ما ریخته شد.» پس می‌گویم: «وارد بهشت شوید در حالی که سیراب و سفید چهره هستید.»<sup>۱</sup>

همچنین حضرت سجاد علیه السلام درباره دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام فرمود: «حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ لَنَا مُشْرِقًا وَجُوهُهُ نِيرًا بُرْهَانُهُ عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ وَسَيِّجِيُّ عُدُوًّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهُهُ مُدْحَضَةٌ عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ؛<sup>۲</sup> بر خداوند حق است که دوستان ما [اهل بیت علیهم السلام] را با صورتی درخشانده و برهان [و دلیل] نورانی و حجت و استدلالی محشور کند که نزد خداوند بزرگ است؛ ولی دشمن ما، وارد قیامت می‌شود؛ در حالی که چهره‌اش سیاه و دلیلش نزد خداوند باطل شده است.»

دوستی اهل بیت عامل  
اتصال به آنها است و عامل  
نورانیت انسان می‌شود؛  
ولی قطع رابطه و یا دشمنی  
با اهل بیت عصمت و  
طهارت علیهم السلام باعث سیاه  
شدن چهره است

۴. آن‌گاه پرچم ذی‌الثدیبه با اولین فرد از خوارج و آخرین آنها بر من وارد می‌شوند. پس از آنها می‌پرسم: «پس از من با ثقلین چه کردید؟» می‌گویند: «اما [ثقل] اکبر را باز کردیم و از آن بیزاری جستیم و اما [با ثقل] اصغر جنگیدیم و کشته شدیم.» «فَأَقُولُ رُدُّوا إِلَيَّ النَّارِ ظِمَاءَ مُظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهُكُمْ؛ پس فرمان می‌دهم که وارد آتش شوید؛ در حالی که سخت تشنه و روسیاه هستید.»

۵. آن‌گاه پرچم پیشوای متقین و آقای وصیین ... و وصی رسول رب العالمین وارد می‌شود. پس می‌پرسم:

۱. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳.

تاریک، صورت آنها را پوشانده است. آنها یاران آتش‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «أَمَا تَرَى الْبَيْتَ إِذَا كَانَ اللَّيْلُ كَانَ أَشَدَّ سَوَادًا فَكَذَلِكَ هُمْ يَزْدَادُونَ سَوَادًا؛ آیا خانه را دیده‌اید وقتی شب هنگام شود [و چراغی روشن نباشد] به شدت سیاه است. پس این گناهکاران نیز این گونه بر سیاهی [چهره‌های] شان افزوده می‌شود.»

از میان گناهان به برخی گناهان کبیره و بزرگ به صورت ویژه اشاره شده است که در سیاهی چهره‌های گناهکاران، نقش خاصی دارد که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. شواب خواری

هر چند پس از پیروزی انقلاب بساط شراب‌خواری به صورت رسمی جمع شده است؛ ولی در سالهای اخیر کم‌کم این ماده خطرناک و «ام الفساد»

این روایات به خوبی نشان می‌دهد کسانی که از مسیر اهل بیت علیهم السلام منحرف شدند و از در ستیزه و دشمنی با آنها وارد شدند روز قیامت با چهره سیاه و ظلمانی محشور می‌شوند.

ب. اعمال و رفتارهای ناروا

برخی اعمال زشت و گناهان بزرگ، باطن انسان را تغییر می‌دهد و باعث محشور شدن با چهره سیاه و ظلمانی در روز قیامت می‌شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۱</sup> «و کسانی که مرتکب

گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند و ذلت و خواری چهره آنها را می‌پوشاند و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از [مجازات] خدا نگه‌دارد، [چهره‌هایشان آن‌چنان آسپاه و تاریک است که] گویی پاره‌هایی از شب

۲. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۱. یونس/۲۷.

در گوشه و کنار کشور راه پیدا کرده و در برخی مجالس و محافل، چهره نمایان کرده است که جا دارد خطر آن گوشزد شود.

امام باقر علیه السلام فرمود: «يَأْتِي شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهَهُ مُدْلَعًا لِسَانَهُ يَسِيلُ لُعَابُهُ عَلَى صَدْرِهِ حَتَّى عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ بَثْرِ خَبَالٍ قَالَ قُلْتُ وَمَا بَثْرُ خَبَالٍ قَالَ بَثْرُ يَسِيلُ فِيهِ صَدِيدُ الزُّنَاةِ»<sup>۱</sup>

شراب خوار در روز قیامت وارد محشر می شود در حالی که صورتش سیاه شده و زبانش از حلقومش خارج شده و آب دهانش بر سینه اش جاری شده است و بر خداوند است که او را از چاه خبال سیراب کند. راوی می گوید پرسیدم: چاه خبال چیست؟ فرمود: چاهی است که در آن، آب زناکاران ریخته می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «شَارِبُ الْخَمْرِ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهَهُ مَائِلًا شَفْتَهُ

۱. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق، ج ۱۷، ص ۲۳۷، باب ۹ اشربه محرّمه، روایت ۲.

مُدْلَعًا لِسَانَهُ يُنَادِي الْعَطَشَ الْعَطَشُ؛<sup>۲</sup> شراب خوار در روز قیامت وارد محشر می شود، در حالی که صورتش سیاه شده، و لب او آویزان شده و زبانش از دهانش بیرون آمده است.

فریاد می زند: تشنه ام! تشنه ام!

۲. گواهی ناحق و کتمان حق

انکار حق، در واقع جلوگیری از تابش نورانیت حق است که برای انکار کنندگان تاریکی و ظلمت را در پی دارد.

هر کس به ناحق، گواهی و شهادت دهد، و یا در جایی که باید حق را اظهار کند آن را کتمان کند، اثرش این است که با چهره سیاه وارد محشر می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «مَنْ كَتَمَ شَهَادَةً أَوْ شَهِدَ بِهَا لِيُهْدَرَ لَهَا بِهَا دَمٌ أَمْرِي مُسْلِمٌ أَوْ لِيُزَوِيَ مَالٌ أَمْرِي مُسْلِمٌ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْجُهُ ظَلَمَةٌ مَدَّ الْبَصْرَ وَ فِي وَجْهِهِ كُدُوحٌ تَعْرِفُهُ الْخَلَائِقُ بِأَسْمِهِ وَ نَسَبِهِ وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقًّا لِيُخَيَّرَ بِهَا حَقًّا

۲. همان، روایت ۳.

آن را در مواردی، واجب و ضروری دانستند. مراعات نکردن تقیه، در مواردی باعث سیاه شدن چهره می‌شود.

معلی بن خنیس می‌گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای معلی! اسرار ما را کتمان کن و آنها را نزد دشمن افشا مکن. هر کس اسرار ما را کتمان کند و افشا نکند، خدا او را در دنیا عزیز می‌کند و در آخرت بین دو چشم او نور قرار می‌هد تا به وسیله آن نور به بهشت رود.» و در ادامه فرمود: «يَا مُعَلَّى مَنْ أَدَاعَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَكْتُمْهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الآخِرَةِ وَ جَعَلَهُ ظَلْمَةً تَقُودُهُ إِلَى النَّارِ يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَةَ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي...»<sup>۲</sup> ای معلی! هر کس امر (و اسرار) ما را افشا کند و آن را پوشیده ندارد، خداوند او را در دنیا ذلیل و خوار می‌کند و در آخرت نور را از بین چشمهای او (و پیشانی او) می‌گیرد و برای او تاریکی قرار

امری مُسْلِمٌ آتی يَوْمَ الْقِيَامَةِ و لِوَجْهِهِ نُوْرٌ مدَّ الْبَصَرِ؛ کسی که شهادتی را مخفی کند (و به آن گواهی ندهد) یا به مطلب [باطلی] گواهی دهد تا خون مسلمانی را پایمال کند و هدر دهد و یا [باعث شود] مال مسلمانی را دیگری تصاحب کند، روز قیامت وارد می‌شود؛ در حالی که چهره‌اش تاریک [و سیاه] است تا آنجایی که چشم کار کند، و در صورتش زخمهایی دیده می‌شود که همه مردم او را [به عنوان گناهکار] با اسم و نسب می‌شناسند؛ ولی اگر کسی به حق شهادت دهد تا حق مسلمانی را زنده کند، روز قیامت وارد محشر می‌شود؛ در حالی که چهره‌اش نورانی دیده می‌شود تا آنجایی که چشم می‌بیند.»

۳. ترک تقیه و اظهار اسرار اهل

بیت طهارة

اهل بیت عصمت و طهارت طهارة برای حفظ جان شیعه و ناموس و مال و اموال آنان، تقیه را تجویز کردند و

۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۲۳، روایت ۸.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۲۷، باب ۲، روایت ۲.



هر کس به ناحق، گواهی و شهادت دهد، و یا در جایی که باید حق را اظهار کند آن را کتمان کند، اثرش این است که با چهره سیاه وارد محشر می شود

۵. ناامید کردن از رحمت خدا

امید به خداوند در واقع نوری در درون انسان است که انسان را به حیات و نجات امیدوار می کند. اگر کسی این نورانیت را از مردم بگیرد و مردم را از حیات و رحمت الهی ناامید کند، اثرش در آن فرد، این است که خود، دچار تاریکی و ظلمت می شود و نمود آن در قیامت، سیاهی چهره است.

از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده

است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَبْقَثُ

اللَّهُ الْمُقْتَنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُغْلَبَةً وَجُوهَهُمْ يَعْني غَلْبَةُ السَّوَادِ عَلَى الْبَيَاضِ فَيَقَالُ لَهُمْ

می دهد که او را به سمت آتش جهنم می برد. ای معلى! تقيه کردن، جزئی از دین من و دین پدران من است.»  
۴. برآورده نکردن حاجت دیگران با قدرت و تمکن

امام صادق علیه السلام فرمود: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»<sup>۱</sup> هر مؤمنی منع کند مؤمنی را از آنچه نیاز دارد، با اینکه از ناحیه خود یا دیگری توان انجام آن حاجت را دارد، خداوند او را روز قیامت نگه می دارد، در حالی که صورتش سیاه، چشمهایش نابینا، دستانش بسته شده بر گردنش است. پس گفته می شود: این خائنی است که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است. سپس دستور داده می شود که داخل آتش شود.»

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۸۷، باب ۳۹ و بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۴.

لَمْ يُؤْسِنَهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنَهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ فقیه و دانشمند کامل کسی است که مردم را از رحمت الهی مأیوس، و از عذاب و مکر الهی ایمن نکند.

### ۶. فخر فروشی

ملاک برتری نزد خداوند فقط به تقوا و عمل صالح است. نَسَبٌ و قیافه و اموال، باعث برتری انسان نمی‌شود؛ از اینرو افتخار به این موارد، افتخار غیر واقعی است که باطن آن در روز قیامت به صورت سیاه شدن چهره انسان ظاهر می‌شود. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می‌فرماید: «مَنْ صَنَعَ شَيْئاً لِلْمَفَاخِرَةِ حَسَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوِداً وَجْهَهُ»<sup>۳</sup> هر کس کاری را برای فخر فروشی انجام دهد، خداوند او را در روز قیامت با صورت سیاه محشور می‌کند.

هُؤُلَاءِ الْمُقَنَطُونَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> خداوند روز قیامت، کسانی که مردم را [از رحمت خدا] مأیوس کرده است، در حالی محشور می‌کند که سیاهی چهره آنها بر سفیدی آن غلبه دارد. به آنها گفته می‌شود که اینها همان کسانی هستند که [مردم را] از رحمت خدا مأیوس کردند.

مأیوس شدن از رحمت خداوند از گناهان بزرگی است که در قرآن به صراحت از آن نهی شده است. ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup> «از رحمت خداوند ناامید نشوید».

همچنین ناامید کردن مردم از رحمت الهی، گناه و خلاف است. مبلمان و واعظان، بیشترین تلاششان باید این باشد که مردم را به رحمت خداوند امیدوار کنند؛ البته در کنار اینکه از عذاب الهی می‌ترسانند.

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ

۳. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۹۲، ح ۴۰، منتخب

میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ص ۴۰۲ و نواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۲۵۵.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۵.

۲. زمر/۵۳.

است» و در حالی که پرده کعبه را گرفته بود، می‌گفت: «ای خدای صاحب این خانه! مرا ببخش و گمان نمی‌کنم مرا ببخشی...». سعید می‌گوید که گفتیم: «چه گناهی مرتکب شده‌ای؟» گفت: «بند شلوار امام حسین علیه السلام را با قطع کردن دست او به غارت بردم...» از اینرو این گونه شدم...»<sup>۱</sup>



۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۱۶ - ۳۱۹ با تلخیص.

ناامید کردن مردم از رحمت الهی، گناه و خلاف است. مبلغان و واعظان، بیشترین تلاششان باید این باشد که مردم را به رحمت خداوند امیدوار کنند؛ البته در کنار اینکه از عذاب الهی می‌ترسانند

حتی در همین دنیا نیز برخی از افراد که مرتکب گناهان فاحش شده‌اند به سیاهی چهره مبتلا گردیدند؛ از جمله سعید بن مسیب نقل کرده است که وقتی آقایم امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، من در مکه، محضر علی بن حسین علیه السلام رسیدم. عرض کردم: «ای مولای من! هنگام حج فرا رسیده، چه دستور می‌دهید؟» فرمود: «نیت حج کن.» هنگام طواف خانه خدا مردی را دیدم که دستهایش قطع شده است و «وَوَجَّهَهُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ؛ و صورتش مانند شب تاریک سیاه